



## شهر هخامنشی دهانه غلامان، رتبه‌بندی و طبقات اجتماعی آن

دکتر علیرضا هژبری نوبری\*، حسنعلی عرب\*\*، نادره نورقاسمی\*\*\*

### چکیده:

فرایندهای گوناگونی در مقیاس و ابعادی متفاوت باعث توسعه جوامع انسانی شده، ساختار آنها را دچار تغییر و دگرگونی نموده است، طبقات اجتماعی که زاییده و پرورده این جوامع است، باعث پیچیدگی الگوهای زیستی آنها گشته که تفسیر داده‌های مکشوفه از آنها، دانش ما را در رابطه با این جوامع (در این پژوهش جوامع باستانی مدنظر است) تشکیل می‌دهد. هدف از این پژوهش، توجه به مدارک باستان‌شناختی از رویکردی اجتماعی است، بر این اساس تلاش کردیم تا ساختار اجتماعی-رتبه، نقش و جایگاه اجتماعی-محوطه دهانه غلامان را با تفسیر و سنجش نمودهای رفتاری آنها که امروزه به عنوان نهشته‌های باستانی درآمده‌اند، در چارچوبی از الگوهای اجتماعی بررسی نماییم. در این مقاله دسته‌بندی جوامع، گوناگونی آنها، چگونگی تفسیر داده‌های باستان‌شناختی از بعد نظری اجتماعی و رهیافت‌های گوناگون مورد استفاده در رتبه‌بندی جوامع مطرح شده و با معرفی داده‌های باستان‌شناختی دهانه‌غلامان و در کنار هم قرار دادن مدارک و نظریات موجود، تحلیلی از نظام اجتماعی محوطه به انجام رسیده و سعی شده تا گروه‌ها، رتبه‌ها و طبقات مختلف این محوطه را با استفاده از تشخیص راهبردهای اقتصادی هویت بخشیده، چیدمان ساختارها را در ارتباط مستقیم با طبقات اجتماعی یافته و دو محله مجزا در شهر مشخص گردد.

واژگان کلیدی: هخامنشیان، دهانه غلامان، نظام اجتماعی، تحلیل ساختاری.

\* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

\*\* کارشناس ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس.

\*\*\* مربی گروه گرافیک دانشگاه آزاد اسلامی شبستر.

**مقدمه:**

به این ترتیب، تمامی اکتشافات ما، ادراکاتی است که مردم باستانی آنها را طراحی و ایجاد نموده‌اند که مفاهیمی از اعتقادات آنان را در خود مستتر دارد.

**رویکرد نظری پژوهش**

یک جامعه طبقه‌بندی شده، جامعه‌ای است که به دو یا چند گروه از مردم تقسیم می‌شود و در صورتی که این گروه یا طبقه با مردم گروه یا طبقه دیگر مقایسه شوند، اختلافات برجسته‌ای از نظر امتیازات، پاداش‌ها، محدودیت‌ها و اجبارها در میان آنها به چشم خواهد خورد پس به طور اختصار، طبقه‌بندی اجتماعی باعث نابرابری نهادی می‌شود (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۰: ۴۳۷).

از اولین دسته‌بندی‌ها در هر جامعه‌ای، دسته‌بندی بر پایه گروه‌های خویشاوندی، گروه‌های سنی و جنسی، اتحادیه‌های شغلی و یا اجتماعات محرمانه بوده است (Yoffee, 1995, 303). پس از مدتی رقابت‌های دسته‌ای، در برخی گروه‌های جامعه روی می‌دهد و هر دسته به طور متقابل با دسته‌های بالایی و پایینی خود دارای ارتباط بیشتری می‌شود (Rosenswing, 2000, 417).

طبقه بندی اجتماعی در بیشتر جوامع دوران تاریخی وجود داشته است، ولی گاهی این طبقات بدون هیچ رتبه افزوده‌ای نسبت به یکدیگر، خود به چند گروه هم طبقه تقسیم شده‌اند که برخی آنها را با عنوان جوامع چند بخشی مطرح کرده (Yoffee, 1995) و برخی اساس این جوامع را خویشاوندی می‌دانند (عسکری خانقاه و شریف کمالی، ۱۳۸۰).

تردیدی نیست که گذشته همچون امروز در حال تغییر بوده، چرا که اگر گذشته تغییر نمی‌کرد بین حال و گذشته تفاوتی وجود نداشت (دارک، ۱۳۷۹: ۲۰۸). پژوهش در کیفیت دگرگونی‌های پدید آمده در زیستگاه‌هایی که انسان آنها را جهت زندگی برگزیده، از اهداف باستان‌شناسی است. در این زمینه، راهبردهای تطبیق و سازش انسانی، روابط، رویدادها، فعالیت‌ها و فرایندها را باستان‌شناس از طریق داده‌هایی که نمایانگر واقعیت‌ها و مفاهیمی برای توصیف و تشریح شرایط محیطی یک پدیده بوده و به کمک آنها می‌توان به روابط میان متغیرها و عمق ساختار آنها پی برد، پیگیری می‌نماید.

از جمله مباحثی که سبب کنکاش هر چه بیشتر باستان‌شناسان شده، تلاش در جهت درک و دریافت پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در دوره‌های جدیدتر از زندگی انسان (دوران تاریخی)، نهادهای حکومتی، بر پیچیدگی این جوامع افزوده و نقش انسان را به عنوان یک عامل تأثیرگذار قوی‌تر، در محیط برجسته نموده‌اند.

در همین راستا باستان‌شناسان تلاش دارند تا با مطالعه نموده‌های تصمیم‌گیری در آثار و بقایای باستانی در چارچوبی از مفاهیم، به اطلاعاتی درباره فرد و ادراک در عصر باستان دست یابند. چرا که به نظر می‌رسد تمامی آثاری که انسان با آنها تماس داشته، محصول رفتار عمدی یا سهوی وی بوده و اشیاء، سازه‌ها و بقایای مادی فعالیت‌های انسانی، همگی تا حدودی برآیند از تصمیم‌گیری وی است.

منعکس می‌شود. از سوی دیگر گاهی فاصله‌ها در طرح سکونتگاه‌ها بیانگر فواصل اجتماعی بوده<sup>۱</sup> و شکل فضاها در داخل منازل نشانگر هدف مردم جهت اختلاط بیشتر یا کمتر با دیگران می‌گردد. بعضاً نیز سازه‌ها را بر اساس اندازه آنها طبقه‌بندی می‌کنند که بنابر این روش، هر چه سازه‌ای بزرگ‌تر باشد رتبه آن بالاتر است (دارک، ۱۳۷۹: ۱۲۲). در پراکندگی فضایی ساختارهای شهری نیز اصولاً طبقه مسلط بهترین بخش‌های فضا را احتکار می‌کند و دگرگونی شهر را پیش از هر چیز تابع منافع خود می‌سازد (باستیه، ۱۳۷۷: ۶۳). به این ترتیب با توجه به پراکندگی سازه‌های مختلف در یک استقرارگاه، می‌توان اطلاعاتی درباره ساختار اجتماعی آن بدست آورد و به نظر می‌رسد که همین تفاوت‌ها پایه و اساس تشکیل و تشدید جامعه طبقاتی می‌شوند.

در ایران باستان عموماً طبقات اجتماعی به دولت وابسته بوده‌اند، هر چه جایگاه یک طبقه بالاتر بود، وابستگی آن به دولت شدت بیشتری پیدا می‌کرد (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۲۷) و همچنین دارا بودن مهارت‌هایی چون آموزش و تواناییهای خاص نیز، برخی افراد را در کنار صاحبان قدرت قرار می‌داد (لینچ، ۱۳۷۶).

در رویکرد شهرنشینی دوره باستان به عقیده مجتهدزاده، اشراف و نجبا و سران ارتش و موبدان، محله‌های خاص خود را داشتند و مردم معمولی کوچک‌ترین تماسی را با آنان و خانواده پادشاه نداشته‌اند، بنا براین مردمی که به رئیس حکومت نزدیک بودند در سلسله مراتب بالاتری قرار می‌گرفتند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷).

با افزایش جمعیت و متراکم گردیدن آن امکان ادامه حیات گروه‌ها ممکن نبود مگر با انجام تقسیم کار در امور مختلف و توسعه تخصص و افزایش وظایف که توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد بحث را نیز در پی داشته باشد. البته این در صورتی امکان پذیر بود که تراکم جمعیتی با عامل اقتصادی (یعنی وجود منابع انرژی) و عامل فرهنگی دیگری که همان امکان توسعه تکنیک‌های لازم است، همراه باشد. روشه در این زمینه، سه عامل جمعیت (تراکم جمعیتی)، اقتصاد (پتانسیل اقتصاد محلی) و فرهنگ (امکان انطباق واقعیت‌های اقتصادی با هنجارها و ارزشهای خاص فرهنگی) را به هم مرتبط دانسته است (روش، ۱۳۷۶). از رویکردی دیگر، این محتمل است که به لحاظ علمی می‌توان مفهوم عملکرد را بر پایه دست ساخته‌ها تعریف نمود (ونکه، ۱۳۸۱: ۵۳۲) که این بحث ما را با جامعه‌ای دارای سازه‌های یادمانی و بنابراین ساختاری تکامل یافته‌تر مواجه می‌نماید.

سازه‌های باستانی و الگوهای استقراری از منابع مهم باستان‌شناسی اجتماعی هستند، این بناها به طور منفرد، جهت شناخت معماری یا موقعیت بنا در بافت استقراری مطالعه می‌شوند. معماری این سازه‌ها کاربری‌هایی را نشان می‌دهد که به بخشی مشخص از گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود یا به طور نمادین موقعیت‌ها یا ارتباطات اجتماعی را منعکس می‌کنند. برخی، معماری را از این رویکرد که چگونه حرکات ما را در درونش محدود می‌کند (تحلیل دسترسی) مطالعه می‌کنند و معتقدند که مرزهای اجتماعی چون طبقات اجتماعی در مرزهای مادی چون مال و منال

### توصیف محلی محوطه مورد مطالعه

زیر بنای این پژوهش، بر اساس داده‌های بدست آمده از محوطه دهانه غلامان - از محدود شهرهای بارز هخامنشی، واقع در سیستان - بنا نهاده شده است. این محوطه در طول جغرافیایی ۱۸/۷، ۳۸، ۶۱ و عرض جغرافیایی ۴۹/۳، ۴۷، ۳۰ با ارتفاع ۵۰۴ متر از سطح دریا، در ۴۴ کیلومتری شهر زابل و ۲ کیلومتری روستای قلعه‌نو قرار دارد. بر اساس گزارش‌ها و نقشه‌های تهیه شده توسط هیئت ایتالیایی محل و محوطه دهانه غلامان به صورت تپه‌ای پوشیده از ریگ روان در کنار رود هیرمند و در میان نقاط تاریخی متعددی چون نادعلی، کرکوی، قلعه‌تپه و بی‌بی‌دوست، کوه‌خواجه، شهرسوخته، قلعه‌سام و پوست‌گاو خودنمایی می‌کند (ماریانی، ۱۳۷۵: ۵).

آثار باقیمانده از شهر باستانی دهانه غلامان در طول یک و نیم کیلومتر و پهنایی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر پراکنده است. وسعت منطقه مرکزی شهر در حدود ۸۸ هکتار و کل شهر در حدود ۱۰۰ هکتار برآورد شده است (سیدسجادی، ۱۳۷۵ الف: ۳۷). این محوطه توسط باستان‌شناسان ایتالیایی در سال ۱۹۶۰ کشف شده و از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ مورد کاوش قرار گرفت. دوره دوم حفاری در دهانه غلامان از سال ۱۳۷۹ توسط گروه باستان‌شناسان سازمان میراث فرهنگی کشور و به سرپرستی سیدسجادی آغاز گردید (سیدسجادی، ۱۳۷۵ الف: ۳۸).

شهر دهانه غلامان به نسبت زمین‌های دشت در ارتفاع نسبتاً بالاتری قرار دارد که از دوره پالئولیتوسن بوده و مشرف به دشت رسوبی است.

در رتبه‌شناسی جوامع باستانی رهیافت‌های گوناگونی بر اساس اشیای باستانی بکار می‌رود. در رتبه‌شناسی بر اساس انرژی مصرف شده، ارزش شیء به مدت زمانی است که تولید کننده یا تولید کننده‌گانش به جای تولید مواد غذایی ( که در درجه نخست اهمیت قرار دارد) صرف تولید شیء کرده اند. رهیافت دیگر رتبه‌شناسی بر اساس مصرف مواد خام است (در این رهیافت میزان مواد خامی که در تولید شیء بکار رفته مطالعه می‌گردد) که از این رهیافت در رتبه‌شناسی سازه‌های باستانی نیز می‌توان بهره گرفت. روش‌های دیگری نیز نظیر رتبه‌شناسی بر اساس رنگ یا وزن، یا بر اساس تخصصی که برای تولید اثری خاص لازم بوده و یا بر اساس گونه یا پیچیدگی آثار مطالعه شده مورد استفاده می باشند (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۷).

از سوی دیگر باید اذعان نمود که علاوه بر عوامل مؤثر نامبرده در تشکیل جامعه طبقاتی، فتح خارجی نیز شکل دیگری از بوجود آمدن جامعه طبقاتی است. بدین ترتیب که از طریق سلطه، جامعه‌ای قادر می‌شد مازاد جامعه دیگر را تصاحب نموده، روابط و تشکیلاتی را که خود در مرکز آن قرار داشت بر اجتماع فتح شده تحمیل نماید (سینجر، ۱۳۵۸: ۱۵). با این حال باید توجه داشت که در پی هر گونه تبادل فرهنگی، آنتروپی‌هایی در سطح جامعه ایجاد می‌شوند که تنها فرهنگ‌ها قادر به سامان بخشیدن به آنها و رفع هرگونه اختلال و بی‌نظمی هستند، لذا این تلاش برای برگرداندن نظم از دست رفته باعث متحول‌تر و سازنده‌تر شدن فرهنگ‌ها می‌گردد (رفیع‌فر، ۱۳۷۵: ۵۷).

مسکونی به شمار می‌روند (سیدسجادی، ۱۳۸۰: ۴۶) (شکل ۱).

قسمتی از شهر (بخش غربی)، در درازای آبراهه‌ای که بعداً شن‌های روان آنرا کاملاً پر کرده‌اند، واقع شده و بخشی دیگر (قسمت شرقی) به دلیل ناهمواری‌های زمین به دو بخش برابر تقسیم شده که آثار آن تا جایی که به نام قبر زردشت خوانده می‌شود، ادامه داشته است. بقایای موجود این شهر از دو گروه ساختمان اصلی و تعدادی از بناهای منفرد ترکیب شده و مجموعاً تعداد ۲۷ بنای عمدتاً قابل تشخیص در شهر مشاهده می‌گردد که چه از نظر اندازه، چه از نظر نقشه و ترکیب و ترتیب اتاق‌ها و سایر اجزای معماری قابل توجه می‌باشند (سیدسجادی، ۱۳۸۲ الف: ۴۸) (شکل ۱).

ساختمان‌های شماره ۱ و ۲ و ۳ در بخش شرقی (از محله شمالی) و بناهای شماره ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۲ در شمال آبراهه قدیمی و در بخش غربی (از محله شمالی) شهر واقع شده‌اند. این ساختمان‌ها با ایوان و حیاط مرکزی بزرگ دارای کاربردهای همگانی، مذهبی و اجتماعی هستند.

ساختمان شماره ۲ با ابعاد  $۵۳ \times ۵۳$  متر شامل ۴۵ اتاق اصلی و دو اتاق الحاقی است. (ماریانی، ۱۳۷۵: ۶). در داخل بنا ستونهای مربع شکل قطوری به ابعاد  $۱۲۰ \times ۱۲۰$  سانتیمتر قرار دارد و روی دیوارهای این بنا که در ساخت آنها از خشتهایی به ابعاد  $۴۹ \times ۱۰$  استفاده شده است، پوششی گلی به ضخامت ۲-۴ سانتیمتر مشاهده می‌شود. (Scerrato, 1966b) (شکل ۲).

به عقیده شرآتو، دلایل عمده‌ای که باعث شده شهر را بر روی بلندی ایجاد نمایند، حفاظت آن در مقابل سیلاب‌های ناگهانی و فصلی بود که زمین‌های پست را تهدید می‌کرده و نیز اشغال نکردن فضاهایی که می‌توانست از لحاظ کشاورزی مفید باشد. این شهر در دوران باستان بر روی لبه شمالی سنارود واقع شده بود که به نظر می‌رسد این مکان‌گزینی، یک موقعیت استراتژیک و با صرفه اقتصادی بالا بوده است (Scerrato, 1979: 711).

این شهر عمر بسیار کوتاهی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال در سده‌های ششم و پنجم ق.م داشته و برخلاف بسیاری دیگر از شهرهای باستانی که در طول زمان رشد کرده و از شکل روستاهای کوچک به شکل شهرهای بزرگی درآمده‌اند، این محوطه با برنامه‌ریزی پیش‌بینی شده و نقشه قبلی و اهداف خاصی بنا شده که از این جهت نمونه قابل توجهی برای مطالعه روند تاریخ شهرسازی در ایران دوران تاریخی می‌باشد (سیدسجادی، ۱۳۸۲ الف: ۵۱).

### داده‌های باستان‌شناختی دهانه غلامان

نظام حکومتی هخامنشیان آنچنان که از منابع تاریخی و اطلاعاتی و سایر داده‌های باستان‌شناختی مشهود است، به طور گسترده‌ای دارای رده‌های اداری و حکومتی بوده است (بیانی، ۱۳۸۱).

حدود یک چهارم بناهای دهانه غلامان را ساختمان‌های بزرگ و همگانی تشکیل می‌دهند، بیش از یک چهارم دیگر ساختمان‌هایی با اندازه‌های متوسط، بزرگ‌تر از یک خانه معمولی و کوچک‌تر از یک بنای همگانی هستند و بقیه ظاهراً ساختمان‌های

شماره ۱۳ دارای ستون مدوری در حال مرکزی است  
(Scerrato, 1966b: 24).

ساختمان شماره ۲۵ که از بناهای مهم شهر محسوب می‌گردد، دارای ۳۶ اتاق مستطیلی شکل در چهار ضلع و گرداگرد یک حیاط مرکزی چهار گوشه با اضلاعی به طول ۵۰ متر است که در مصالح آن ۶ گونه خشت - شامل یک گونه هلالی شکل - بکار رفته است (سیدسجادی، ۱۳۸۲ الف: ۴۹). در این بنا ابتدا یک دیوار روی کف حیاط به ارتفاع بین ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر بنا شده و یک سلسله لوله سفالی با فواصل منظم ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتری از هم، روی آن کار گذاشته شده و سپس بخش سوم دیوار روی آن ساخته شده که به سقف منتهی می‌شود. همچنین محراب کوچکی شبیه به محراب ساختمان شماره ۳ بدست آمده که به عقیده کاوشگران، این محراب کوچک، محل تقدیس محصولات تولیدی این کارگاه مذهبی - صنعتی بوده است (سیدسجادی و صابر مقدم، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵). در این بنا نقاشی‌هایی نیز بدست آمده که یکی از آنها صحنه شکاری را نمایش می‌دهد که ارابه رانی سوار بر ارابه‌ای دو چرخ که با اسبی کشیده می‌شود در حال تیر اندازی با کمان به سمت گراز است (سیدسجادی و صابر مقدم، ۱۳۸۲) (شکل ۴).

ساختمان‌های ۱۴ و ۲۰ و ۲۳ و ۲۴ در اندازه‌هایی متفاوت بوده (ساختمان‌های ۲۳ و ۲۴ از لحاظ پلان مشابه هستند) و ساده طراحی شده‌اند در صورتیکه ساختمان‌های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ که تقریباً برای طراحی تمامی آنها از الگوی مشابهی استفاده گردیده، دارای طرحی پیچیده‌تر و در ارتباط

مهمترین ساختمان شهر، بنای معروف به ساختمان شماره ۳ است که در ساخت آن از خشت‌های متنوعی از جمله خشت‌های هلالی شکل استفاده شده است (ماریانی، ۱۳۷۵) و اجزای معماری و آثار پیدا شده در آن، به همراه اجاقها و آتشدان - سکوها و محراب‌ها، نشانگر کاربرد مذهبی بنا است (سیدسجادی، ۱۳۸۲ الف: ۴۸) (شکل ۳). به عقیده شرانو در این ساختمان، یک مذهب خاص هند و آریایی تجلی داشته و مرحله‌ای از پرستش و سنت محلی را به نمایش می‌گذارد که امکان دارد در ارتباط با اولین مراحل شکل‌گیری دین زردشتی باشد (Scerrato, 1979:731).

در وسط یکی از اتاقهای ساختمان شماره ۴ که به نظر می‌رسد یکی از اتاقهای مهم این ساختمان بوده، ستونی مربع با حدود ۹۰ سانتی متر قطر (ISMEO, 1975:55) و در گوشه جنوب غربی آن نیز قربانگاه کوچکی بدست آمده، پلان این بنا شباهت زیادی با طرح پلان ساختمان شماره ۶ دارد که هر دو پلان نیز با پلان ساختارهای خاص هخامنشی در تراس پارسه شباهت نزدیکی را نشان می‌دهند (Scerrato, 1966b: 25).

در قسمت مرکزی ساختمان شماره ۵ دو ستون مربع شکل قابل رویت است (Scerrato, 1966b,25). ساختمان شماره ۶ دارای یک حال مرکزی است که چهار اتاق مستطیلی شکل و چهار اتاق در گوشه‌ها، آن را احاطه کرده‌اند (Scerrato, 1966b:23) و در آن یک محراب (مجمر) آتش (آتشدان) به شکل هرم پلکانی بدست آمده است (Scerrato, 1979,727). خانه شماره ۷ نیز مانند خانه

تقسیم شده، سازه‌های مسکونی به وسیله کوچه‌های موازی شرقی- غربی با چیدمانی منظم به قطعاتی تقسیم شده‌اند که این نظم در سایه توجه یک مدیر به امور شهری پدید می‌آید.

تحلیل‌های صورت گرفته توسط جینتو (Genito, 1986: 599) و عناصر معماری و ابعاد و ساختار قابل توجه ساختمان شماره ۲ و نیز تحلیل سفال‌های مکشوفه در این محل، کاربرد اداری یا حتی خزانه بودن این ساختمان را تایید می‌نمایند و از آنجایی که پس از انتخاب خشاسه پاوه، کارگزارانی چون دبیر، گنجور، ارگبد یا فرمانده سپاه برای او برمی‌گزیدند (بیانی، ۱۳۸۱، ۱۸۵)<sup>۳</sup> لذا می‌توانیم به وجود افرادی که شاید به دلیل توانایی خواندن و نوشتن دارای پایگاه اجتماعی بالایی بوده‌اند اشاره داشته باشیم.

بنای ساختمان شماره ۳ بر اساس نوع ساختار، مصالح بکار رفته در آن و شکل خاص عناصر معماری‌اش، یک بنای آیینی دانسته شده است (مهرآفرین، ۱۳۸۴ و Scerrato, 1979: 712) لذا وجود این سازه با این ویژگی خاص، حضور کاهنین و خادمینی را می‌طلبید که به طور حتم دارای جایگاه اجتماعی بالایی نیز بوده‌اند. بنا به عقیده روشه تاسیس معابد و ساختارهای عمومی مسلماً تغییراتی در بازار کار و تحرک اجتماعی جمعیت، پدید می‌آورد که نتیجه‌اش دگرگونی در آداب و رسوم، اخلاق و فرهنگ و در سازمان اجتماعی استقرارگاه است. (روشه، ۱۳۷۶، ۳۲).

با این پیش داوری که ثروت با طبقه‌بندی اجتماعی ارتباط دارد (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۱) می‌توان

با هم هستند. این بناها که احتمالاً به عنوان واحدهای مسکونی مورد استفاده بوده، توسط کوچه‌های موازی شرقی- غربی به قطعاتی منظم تقسیم می‌گردیدند (Scerrato, 1966b: 9-10) (شکل ۱).

## تحلیل و نتیجه‌گیری

با علم به اینکه تفاوت میان قبور جوامع باستانی، از بعد اندازه، نوع تدفین، تعداد و جنس اشیاء موجود در قبور نشانه وجود طبقات در جوامع بوده و «متداولترین روش برای بازسازی ساختار اجتماعی جوامع باستانی به کارگیری داده‌های حاصل از تدفین‌های باستانی است» (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۱) ولی عدم کشف قبرستان در دهانه غلامان این شهر دوره هخامنشی، امکان چنین تحلیلی را فراهم نموده است. پس اگر جهت رتبه‌شناسی، به ساختارها و داده‌های معماری که از مشتقات پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشکیل دهنده یک هویت شهری با ساختارهای عظیم هستند، بسنده کنیم می‌توانیم برخی مراتب و شکل‌هایی از ساختار اجتماعی را در آنها دریابیم.

در دهانه غلامان کانال یا آبراهه‌ای شهر را به دو قسمت شمالی و جنوبی و دو محله مجزا تقسیم نموده که محله شمالی به دلیل حجم بزرگتر ساختارهای آن، تعداد بیشتری از اشراف و نجبا را در خود جای داده (به احتمال فراوان بتوانیم در این محله کاخ یا محل سکونت حاکم شهر را نیز بیابیم) و در محله مسکونی عامه نشین جنوبی که بر اثر عوامل توپوگرافیکی زمین به دو قسمت شرقی و غربی

آثار بدست آمده استخوانی از حیوانات در دهانه‌غلامان که حدود ۹۰ درصد آنها را پستانداران و حیوانات نشخوارکننده تشکیل می‌دهند. (Compagnoni, 1980: 17)، همچنین وجود گاو به عنوان یکی از هدایای زرنگیان در پارسه (توین‌بی، ۱۳۷۹: ۲۳۷). حاکی از حضور گروه عظیمی از دامداران در دهانه غلامان است که امروزه نیز حضور خیل عظیمی از گاوداران در اطراف دریاچه هامون همچنان بیانگر تداوم سنت دامپروری در این منطقه می‌باشد.

توجه به این امر که بکار گرفتن متخصصان تمام وقتی که در فعالیت‌های کشاورزی نقش ندارند، ناشی از تولید محصول افزونه است (دارک، ۱۳۷۹: ۱۴۴)، نقش کشاورزی را در دهانه‌غلامان و پسرکانه‌های آن هر چه بیشتر برجسته می‌نماید، چرا که تهیه غذا و مواد خوراکی برای این متخصصان، اصولاً بر دوش کشاورزان است. به این ترتیب میزان بالای تولیدات معیشتی کشاورزی، با توجه به وجود سازه‌های بزرگ در شهر (که حدود یک چهارم بناهای کل شهر را در بر می‌گیرند و ساخت هر یک نیاز به نیروی کلان انسانی دارد) و اینکه تمام بناهای شهر به هنگام ساخت اولیه شهر و با برنامه‌ریزی طراحی و ساخته شده‌اند (سیدسجادی، ۱۳۸۲الف: ۵۱) نشان می‌دهد که تامین نیازهای غذایی آنها بر عهده گروه دیگری بوده که در زمین‌های مساعد برای کشاورزی اطراف محوطه که احتمالاً توسط سنا رود آبیاری می‌شده به کشاورزی اشتغال داشته‌اند.

گروه صنعتی شهر را با توجه به توضیحات استرابو که می‌گوید «سرزمین آنها (زرنگیان) سرشار

گفت که خانه مسکونی، نشانگر ارزش اجتماعی خانواده‌ها و جایگاه آنها در مرزبندی اجتماعی است (Rosenswongi, 2000: 437) لذا خانه‌های مسکونی شماره ۴، ۵، ۶، ۷ و ۱۳ که دارای ستون‌هایی در وسط جهت نگه داشتن سقف بوده و در ساختار آنها از مصالح قوی‌تر و پرهزینه‌تری استفاده شده، نشانگر تعلق این مکانها به افرادی در طبقات بالای اجتماع بوده است. پس به نظر می‌رسد سازه‌های غیر عمومی شمالی، به دلیل ابعاد و موقعیت مکانی آنها متعلق به نجبا و اشراف شهر بوده‌اند.

بناهایی چون ساختمان ۶ و ۱۶ با آتشدانی که نشانگر عرصه فعالیت خاص آنهاست، از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر ساختارهای شهر برخوردار هستند و می‌توان احتمال داد که متعلق به اشخاص مهمتری از جامعه دهانه‌غلامان بوده و هویت گروهی خاص با ایدئولوژی متفاوت‌تری را نشان می‌دهند که البته موقعیت مکانی خانه شماره ۶ ساخته شده در جوار بنای مذهبی شهر (ساختمان شماره ۳) نیز صحه‌گذار این مسئله است.

شبهت پلانهای دو بنای ۲۳ و ۲۴ ارتباط - شاید از نوع خویشاوندی - نزدیکی را نشانگر است و سازه‌های ۲۵، ۲۶ و ۲۷ نیز اختلاط و ارتباطات اجتماعی بیشتری را منعکس می‌کنند و به نظر می‌رسد در مرزهای اجتماعی همسانی قرار داشته‌اند.

کاربرد خشت در تمامی ساختارهای دهانه غلامان تقریباً عمومیت داشته در حالیکه استفاده از خشت‌های هلالی - که نیاز به پشتوانه فکری و هزینه بیشتری دارد - در دو سازه شماره ۳ و ۱۵ نشانگر جایگاه خاص آنها است.



انتقال، درک و استدلال اطلاعات اندکی است، وجود سازمانی در تحت رهبری او الزامی می‌نماید. بدین ترتیب، هر چه حجم امور افزایش یابد این سازمان نیز باید بزرگ‌تر شود، چرا که از انجام کار مؤثر باز می‌ماند و هر قدر نظام اداری وسیع‌تر و دارای رده‌های بیشتری باشد، عملکردهای بالاترین رده تصمیم‌گیری (مدیر یا حاکم)، مطمئن‌تر و کارآمدتر خواهد بود. با توجه به موارد عنوان شده، وجود یک قدرت قوی مرکزی برای رسیدگی به مسایل پیچیده زندگی شهرنشینی ضروری است.

بنابراین دهانه غلامان دارای اجتماعی با مشاغل و طبقات اجتماعی پیچیده‌ای متشکل از کشاورزان، دامداران، بازرگانان، هنرمندان، معماران و حاکم و سیستم اداری حکومتی بوده و در این محل تقریباً با شهری دارای تقسیم کار گسترده‌ای ناشی از توسعه شهر، مواجه هستیم لذا این تخصصی شدن توان پاسخگویی به تقاضایی بیش از تقاضای محلی (بومی) را بوجود می‌آورد که زیر نظر قدرت متمرکزی که شبکه شهری را نیز تحت سلطه دارد، قرار می‌گیرد.

تمامی موارد فوق علاوه بر مشخص نمودن گروه‌های اجتماعی در شهر، وجود گروه‌های فعال و غیر فعال اقتصادی را نیز نشان می‌دهند و اگر هر یک از مشاغل ذکر شده را نوعی شیوه در آمد معیشتی محسوب نماییم که کسب درآمدهای متفاوت را در پی دارد، با جامعه‌ای که دارای تنوع اقتصادی و به تبع، اجتماعی پیچیده است، روبرو هستیم.

بطور کلی در دهانه‌غلامان با تکیه به ساختارهایی که از لحاظ پلان شباهت زیادی با طرح پلان کاخ‌های پارسه داشته (Scerrato, 1966b: 15) و شاخصه‌های

از معادن قلع و روی است» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۱۲) و با استناد به بقایای کوره‌های مختلف فلزگری، سفالگری و خشت‌ها و آجرهای بزرگ و گدازه فلزات در حاشیه گودی‌های چاه نیمه ۳ - که به نظر سیدسجادی منطقه اصلی صنعتی شهر بوده است (سیدسجادی، ۱۳۸۰: ۴۹۰) - همچنین در بنای ساختمان شماره ۱۵ که به نظر می‌رسد یک کارگاه صنعتی - مذهبی بوده - که احتمالاً کارگران و خدمتکاران آن را نیز کاهنین و روحانیون زمان تشکیل می‌داده‌اند (سیدسجادی، ۱۳۸۲الف: ۵۰) - می‌توان به روشنی مشاهده نمود.

راهبردهای اقتصادی دیگری چون شکار، ماهیگیری هر چند در دهانه‌غلامان کم صورت گرفته است (Compagnoni, 1980: 17) ولی به نظر می‌رسد که در پسرکرانه‌های آن خصوصاً در کنار دریاچه هامون - همچنان که فایرسرویس نیز هم اکنون آنرا یکی از پایه‌های معیشتی این مردمان دانسته است (Fireservis, 1961: 16) - رواج داشته است.

با مقایسه نقاشی‌های ساختمان شماره ۱۵ با نقوش دوره ساسانی و نوع ارایه می‌توان شخص شکارگر را حاکم یا یکی از خواص شهر محسوب نمود. وجود یک حاکم که دارای یک سازمان اداری بوده و خود تحت نظر یک حکومت مرکزی قرار دارد، حجم بالایی از پیچیدگی سیاسی، جامعه استقراری را می‌رساند.

بوجود آمدن ساختارهای گسترده و عظیم در یک استقرار با چیدمانی منظم، نیاز به مدیریتی قوی، مهارت‌های مهندسی و مواد خام پیش‌بینی شده دارد و از آنجا که یک مدیر به تنهایی قادر به جابجایی،

- باستیه، ژان برنارد، ۱۳۷۷، شهر، ترجمه علی اشرفی، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر.

- بیانی، شیرین، ۱۳۸۱، تاریخ ایران باستان (۲) از ورود آریایی‌ها به ایران تا پایان هخامنشیان، قم، چاپ اول، سمت.

- پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۲، "بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه‌یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی"، صغه، شماره ۳۷، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۸۲، صص ۴۱-۲۵.

- توانگر زمین، محمد کاظم، ۱۳۸۰، تحلیل تاریخی ساخت تخت جمشید، تهران، چاپ اول، انتشارات استاد.

- توین‌بی، آرنولد جوزف، ۱۳۷۸، جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

- دارک، کن. آر، ۱۳۷۹، مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی.

- رفیع‌فر، جلال‌الدین، ۱۳۷۵، "آنتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی"، مجله نامه پژوهش (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، تهران، چاپ دوم، شماره اول، سال اول، تابستان ۱۳۷۵، صفحات ۵۷-۶۹.

- روشه، گی، ۱۳۷۶، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، چاپ هفتم، نشر نی.

- سیدسجادی. سیدمنصور و فرامز صابر مقدم، ۱۳۸۲، "سه تصویر دوره هخامنشی از دهانه‌غلامان"، نامه

دیگر بدست آمده در ارتباط با مرکز امپراتوری (در زمینه معماری؛ Scerrato, 1966b: 25 , 23; Scerrato, 1962: 187 و در زمینه سفال؛ Genito, 1986: 593 ; scerrato, 1966b: 30 و سیدسجادی و صابر مقدم، ۱۳۸۲ و سیدسجادی، ۱۳۸۰)، می‌توان ارتباط نزدیک بین دهانه‌غلامان و مرکز امپراتوری و حتی فرض حضور نجیب‌زادگان پارسی را در خشاسه‌ها (کورت، ۱۳۷۸: ۱۱۱) مورد ارزیابی قرار داده، عملکرد آنان را از منظر گرت‌برداری در ساختارها سنجد و با علم به این که تمدن و شهرنشینی اصولاً گامی بزرگ به سوی رشد بوده است، پس می‌توان گفت که ترک محوطه دهانه غلامان در این موقعیت زیستگاهی، بدون شک مترادف با ایجاد شهری است با همین وسعت در محلی که دارای امنیت طبیعی بیشتری بوده باشد.

### یادداشت‌ها

۱- استقرارگاه‌ها نیز معمولاً به طور منفرد یا با توجه به ارتباطشان با دیگر استقرارگاه‌ها یا موقعیتشان در عرصه چشم‌انداز پیرامونشان بررسی می‌شوند.

۲- دوری و نزدیکی سکونتگاه‌ها، نشان می‌دهد که مردم چقدر از نظر اجتماعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند (دارک، ۱۳۷۹، ۱۲۰).

۳- تابلت‌های بدست آمده از پارسه که به تعداد زیادی از مشاغل در سازمان اداری هخامنشیان اشاره دارند، (توانگر زمین، ۱۳۸۰، ۲۸-۲۶).

### منابع و ماخذ

- استرابو، ۱۳۸۲، جغرافیای استرابو سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، چاپ اول، بنیاد موقوفات محمود افشار.

- پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره دوم، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۵-۱۱.
- سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۸۰، *دفترهای شهر سوخته ۴، کاوش در یک کارگاه صنعتی (دهانه غلامان)*، زاهدان، چاپ اول به صورت بولتن.
- سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۷۵ الف، "دهانه غلامان: شهری هخامنشی در سیستان، بخش اول"، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره دوم، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۷۵، صص ۵۴-۳۷.
- سینجر، پل، ۱۳۵۸، "شهرنشینی و طبقات اجتماعی"، ترجمه مهدی کاظمی بید هندی و فرخ حسامیان، *مفهوم شهر ۲*، تهران، چاپ اول، مطالعات شهری و منطقه ای، صص ۳۳-۱۱.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمدشریف کمالی، ۱۳۸۰، *انسان‌شناسی عمومی*، تهران، چاپ دوم، انتشارات سمت.
- کورت، آملی، ۱۳۷۸، *هخامنشیان*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
- لینچ، کوین، ۱۳۷۶، *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه سید حسن بحرینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ماریانی، لوکا، ۱۳۷۵، *باز پیرایی در دهانه غلامان و کوه خواجه*، ترجمه سید احمد موسوی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مجتهدزاده، غلامحسین، ۱۳۷۷، *برنامه‌ریزی شهری در ایران*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۳ الف، "بررسی باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان"، *چکیده مقالات نخستین همایش جدیدترین یافته‌های باستان‌شناسی در حوزه تمدنی شرق ایران*، زمستان ۸۳، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.
- مهرآفرین، رضا، ۱۳۸۳ ب، *بررسی و تحلیل حوزه زهک سیستان*، رساله دوره دکتری باستان‌شناسی (گرایش دوره تاریخی)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ونکه، رابرت. جی، ۱۳۸۱، "غرب ایران در دوره پارت- ساسانی: تغییر شاهنشاهی"، *باستان‌شناسی غرب ایران*، فرانک هول، چاپ اول، تهران، سمت، صص ۵۶۳-۴۹۷.
- Compagnoni Bruno, 1980, "The Equids of the archaeology town of Dhan-e Gholaman (sistan Iran)", In *East & West*, Vol. 30. pp.17 – 29.
- Fairservis, JR. Walter, 1961, *Archaeology studies in the Seistan basin of South – Western Afghanistan and Eastern Iran*, Vol. 48 part. 1. New York.
- Genito Bruno, 1986, «Dahan-i Gholaman: una citta Achemenide tra centro e periferia dell impero», In *Oriens Antiquus*, Vol. XXV, pp.287-317.
- Genito Bruno, 1987, «The Most Frequent Pottery Types at Dahan-i Gholaman (Sistan) and Their Spatial Variability», In *South Asian Archaeology*, Taddei (ed.), Roma, pp. 558-604.
- ISMEO Activities, 1975, In *East & West*, Vol. 25, pp. 538-558.

preliminary report (1962 – 1963)”, In **East & West**, Vol. 16 ,pp : 9 – 30.

- Scerrato Umberto, 1979, “Evidence of Religious Life at Dahan-e Gholaman, Sistan”, In **South Asian Archaeology** Vol. 2, Naples.

- Yoffee, Norman, 1995, “Political Economy in Early Mesopotamian States”, In **Annual Review of Anthropology**, Vol. 24, p.281-311.

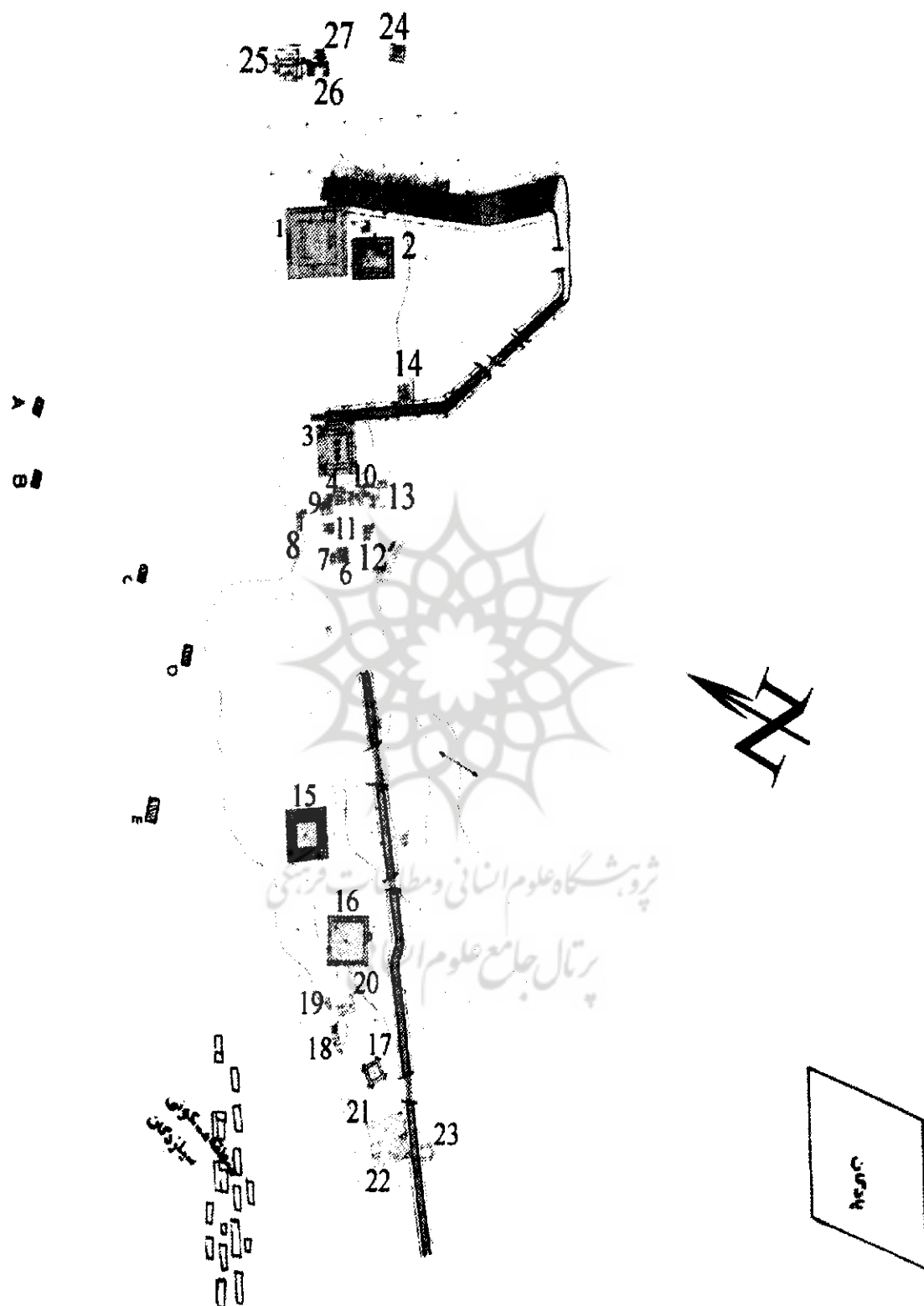
- Rosenswing Robert M., 2000, “Some Political Processes of Ranked Societies”, In **Journal of Anthropology**, Vol. 19. pp: 413-460.

- Scerrato Umberto, 1962, “A probable Achaemenid zone in Persian”, In **East & West**, Vol.13, pp 186 – 197.

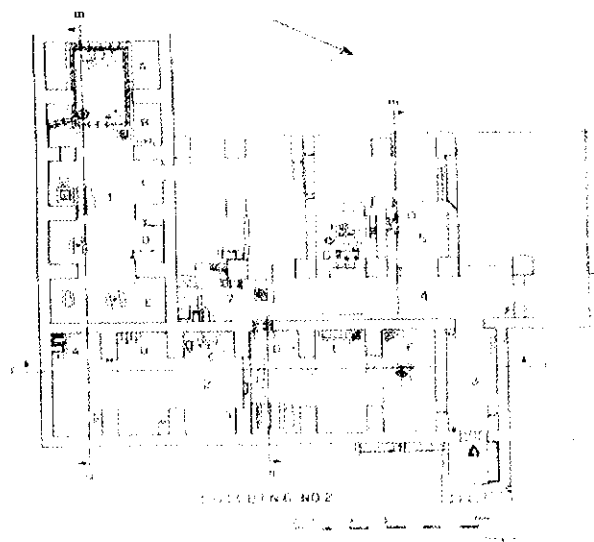
-Scerrato Umberto, 1966a, “L'edificio Sacro di Dahan-i Ghulaman (Sistan)”, **La Persia e il mondo Greco- romano (Roma 11 – 14 April 1965)**, Roma, pp.457-70.

- Scerrato Umberto, 1966b, “Excavation at Dahan-e Ghulaman (seistan – Iran) First

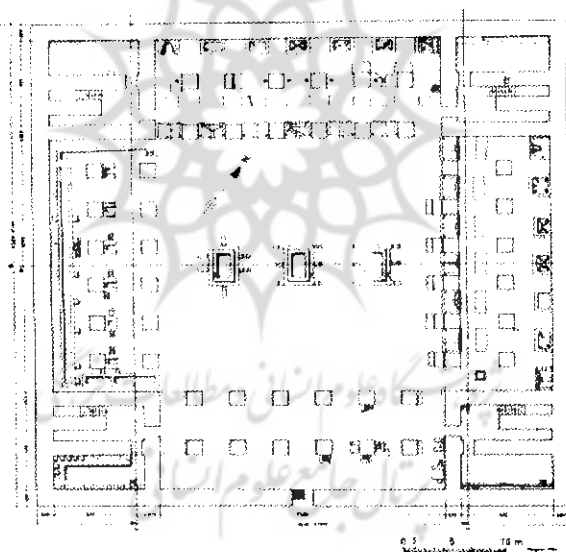




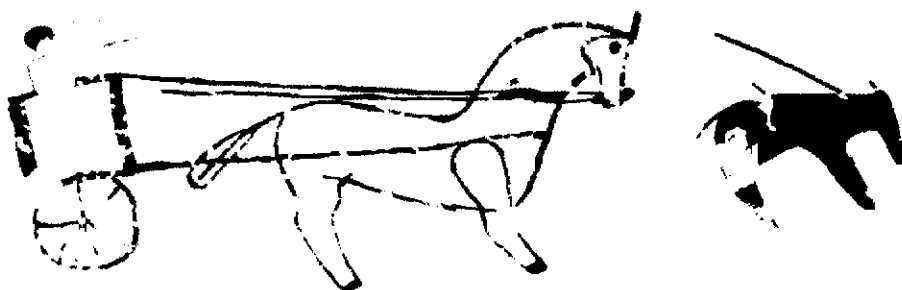
شکل ۱: پراکندگی ساختارهای دهانه‌غلامان در ارتباط با هم (سیدسجادی، ۱۳۸۲ الف، شکل ۸۸)



شکل ۲: پلان قسمت حفاری شده ساختمان شماره دو (Scerrato, 1966b, fig.34)



شکل ۳: ساختمان شماره ۳ دوره دوم (Scerrato, 1966b, fig.9)



شکل ۴: طرح صحنه شکار در اتاق شم ۱۵ (سیدسجادی و صابرمقدم، ۱۳۸۲، ۱۸-۱۷)